

مساجد آفریقای شرقی

مارک هورتون
ترجمه امین ناصح



ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اسلام در دوران میانه از جانب فرقه ناگپه لگناه و ویرانه‌ها
ساحلی شرقی، سیستم‌های تجارت دریایی باعث
برقراری رابطه این مناطق با آسیای جنوبی و غربی،
دست‌کم از قرن اول میلادی شده است. «بازرگانان
ساحل آفریقا در زمان‌های خاص تأمین‌کننده عاج،
تولیدات دریایی مثل عنبر و لاک لاک‌پشت و هم‌چنین
برده، طلا و آهن بودند. لشکرکشی پتولمانیک از مصر،
برای شکار فیل‌های جنگلی تا قرن سوم قبل از میلاد در
طول سواحل دریای سرخ، شبکه‌ای از بنادر که در دوران
باستان و پیش از اسلام مورد استفاده قرار می‌گرفتند را
سازمانده و با فاصله‌ای از دریای مدیترانه دید.

نمایی از محراب مسجد سعید بن سلطان (۱۸۲۰ م.)



به وجود آورد. بعضی از این بنا در، به عنوان مکان‌هایی برای انتقال بار به کاروان‌هایی که به سوی دره نیل در حرکت بودند حائز اهمیت گردیدند و این در حالی بود که دیگران محصولات خود را از کشور اتیوپی تهیه می‌کردند. در طول سواحل سومالی شمالی بنا داری بودند که به عنوان مرکز مهم مسیر کشتیرانی به سوی هندوستان و هم‌چنین به عنوان نقاط انتقال تولیدات بچهور ممطر از داخل محسوب می‌شدند. از سفال‌هایی که از راس هافون پیدا شده است، این‌طور برمی‌آید که این شبکه کشتیرانی دست‌کم به قرن اول قبل از میلاد بازمی‌گردد.^۲

آفریقای شرقی، مکان‌های اصلی را می‌بینیم: گسترش اولیه اسلام به سوی پایین ساحل سواحلی را تا حدود زیادی می‌توان به سکنی‌گزیدن مربوط به تجارت دریایی نسبت داد.

نوالی زمانی و نحوه گسترش اسلام به آفریقای شرقی در مواجهه با شواهد مستند و زمانی بسیار بحث‌انگیز می‌باشد.^۳ منابع تاریخی معاصر اندکی وجود دارند، در حالی که یادداشت‌ها و رسوم بومی که گسترش اسلام به این جوامع را شرح می‌دهند، قرن‌ها بعد از حوادثی که ذکر می‌کنند اتفاق افتاده است و باید با دید خاصی به آن‌ها نگریست. تنها شواهد موثق، شواهد فیزیکی می‌باشند که از باقی‌مانده‌های مساجد، قبرها و نوشته‌ها برجای مانده است.

رسوم بومی در ویژگی‌های سبکی منحصر به فرد مساجد در این منطقه سهم داشته و عبادات و شنن متداول اسلامی را در بطن خود جای داده است. عدم وجود سالن‌های مدرسه‌گونه برای نماز، گنبد‌های کم‌ارتفاع، سازمان‌بندی فضاهای داخلی در مقایسه با فضای محدود، استفاده از مواد اولیه ساختمانی سنتی مرجانی یا گیاهی، فقدان شالوده مناسب و وجود حصارها و مقبره‌های ستون‌دار که تقریباً در همه جا دیده می‌شوند. همگی ویژگی‌های اصلی می‌باشند که با مصالح متنوع تزئینی از قبیل چوب‌های کنده‌کاری شده درخت ساج جواره، سنگ نمای مرمر و کاسه و بشقاب‌های سرامیک لعاب‌دار هندی به‌طور بسیار گسترده‌ای در هم آمیخته است.



آفریقای شمال شرقی

روایتی موجود می‌باشد دال بر آن‌که یاران پیامبر گرامی اسلام (ص) در زمان هجرت به سوی اتیوپی حرکت کردند نه به سوی مدینه. اگر این‌طور باشد آن‌ها ممکن است به سوی یکی از بنادری که متعلق به تجارت دریایی آکسوم می‌باشد رفته باشند. با نگاه به رابطه آن‌ها با شبه جزیره عربستان می‌بینیم که جوامع مسلمان نخستین احتمالاً در بنادر دریای سرخ مستقر شده‌اند. شهرهای اولیه دوران اسلام مثل ایدب، سواکین، بادی (احتمالاً جزیره الریح)، مجمع‌الجزایر دهلاک و زیلا، همگی تا قرن نهم بنا شده‌اند. تنها نوشته‌ای که از «کنورنوبت»، در نزدیکی سواکین موجود می‌باشد، به تاریخ ۸۶۱ بازمی‌گردد. نوشته‌های عربی به دست آمده از الریح، دهلاک کبیر و قوئی‌ها به قرون ۱۰ تا ۱۲ مربوط می‌شود. اما به‌طور کلی آثار اندکی از مساجد یا به‌طور کلی ساختمان‌های این دوران اولیه بازمانده است. در الریح بازمانده‌های آب‌انبارها، قبرستان‌ها و بناهایی که ممکن است در مسیر بوده باشند، موجود می‌باشند.^۴

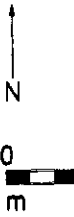
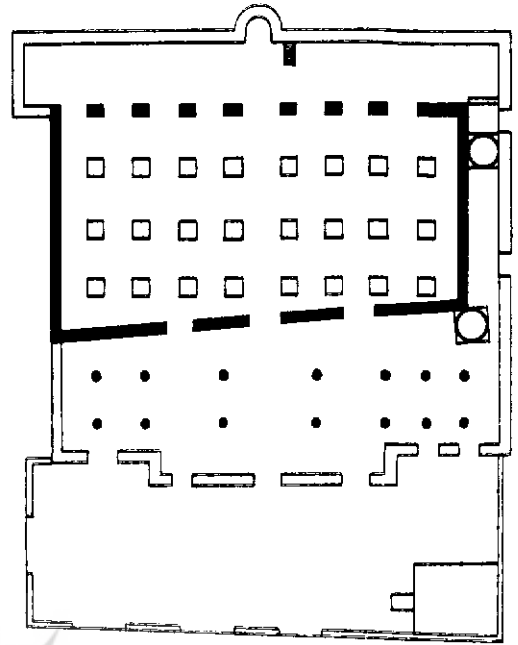
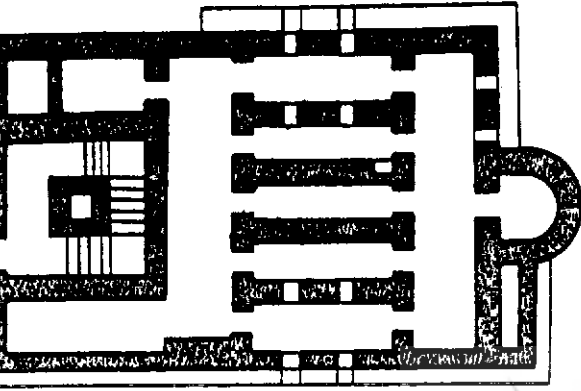
در حالی که ایالت‌های کوچک مسلمان در مسیر کاروان‌ها در شاخ آفریقا به وجود آمده‌اند، شواهد اندکی در دست داریم تا عنوان کنیم که تا قرن پنجم اسلام به آفریقای شمال شرقی نفوذ کرده باشد. نمونه بارز شهر هرا در اتیوپی می‌باشد که به یکی از مراکز بسیار بزرگ آموزش اسلامی مبدل گردید و در اواسط قرن نهم دارای هشتاد مسجد بود.^۵ در طول زمان گروه‌های مهاجر که پیش‌تر در مرکز سرزمین قرار داشتند، به اسلام گرویدند و به این دلیل که جوامع سیّار و در حال حرکت بودند اسلام به سرعت در طی قرون هشتم و نهم در سراسر سرزمینی که اکنون به نام سومالی خوانده می‌شود، جنوب اتیوپی و شمال کینیا گسترش یافت. اغلب، تنها باقی‌مانده‌های بارز معماری، مقبره‌های خلفای بسیار مشهور است.

سودان و اتیوپی

تا سال ۶۴۱ اگرچه اعراب مصر را تا جنوبی‌ترین قسمت آن یعنی اسوان به تسخیر خود درآوردند، اما این تاریخ متعلق به قرن‌ها پیش از نفوذ اعراب و مسلمانان به جنوب یعنی نوبیا و سودان می‌باشد. نفوذ اسلام به سمت جنوب دره نیل، در قرن چهاردهم آغاز گردید. از قرن هفتم به بعد، تلاش‌های متعددی به منظور تسخیر حکومت پادشاهی مسیحی نوبیا انجام گرفت اما حاکمان محلی توانایی حفظ استقلال خود را داشتند و این در قرارداد «بقت» که با مسلمانان شمال مصر منعقد گردیده تنظیم گردید. فقط در سال ۱۳۱۶ پادشاهی مسلمانان در دانگولا بر روی کار آمد اما حکومت پادشاهی مسیحی تا اوایل قرن شانزدهم در نوبیا مستقر بود.^۶ اگر ارزش ساختمان‌های سنگی مسیحی در نوبیا را در نظر بگیریم، مساجد جدید هم چون آن‌هایی که در دانگالو و قصر ابریم قرار دارند را می‌توان به‌عنوان مساجدی یاد کرد که از تغییر دادن کلیسای جامع حاصل شده‌اند.

در قرون دوازدهم و سیزدهم، مهاجران بدوی که به دلیل تسخیر نوبیا توسط مملوک تحریک شده بودند، با گروه‌های روستایی بومی درهم آمیختند و کنترل مسیرهای تجاری را در اختیار خود گرفتند و جوامع تجاری بنا نهاده و حاکمان ایالت‌های تازه تسخیر شده را به دین اسلام کشانیدند؛ مهاجرت عالمان مسلمان که در کتاب قانون ملکی آمده است، مورد تشویق قرار گرفت و زبان عربی به‌عنوان زبان میانجی تجارت درآمد اما در میان دربار مکالمه به زبان محلی ادامه یافت.

ایالت‌های کوچک مسلمان (که فونج قابل توجه‌ترین آن‌ها می‌باشد) جانشین حکومت‌های پادشاهی مسیحی گردیدند. بعضی از جوامع بیابانی مانند بنی‌کانز که در صحرای شرقی زندگی می‌کردند تقریباً زودتر از مردم دره نیل به اسلام گرویدند اما در این مورد شواهد اندکی موجود می‌باشد.^۷ ظاهراً اسلام از طریق مسیرهای

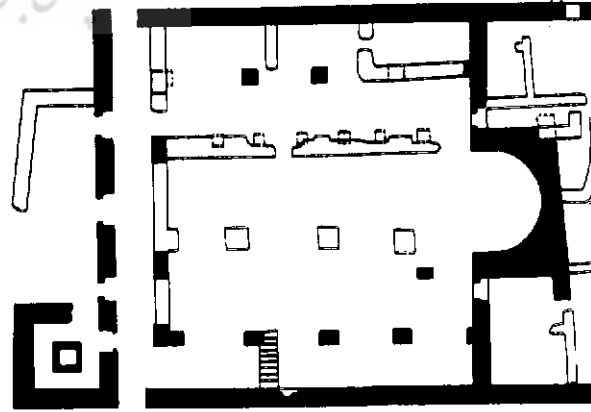
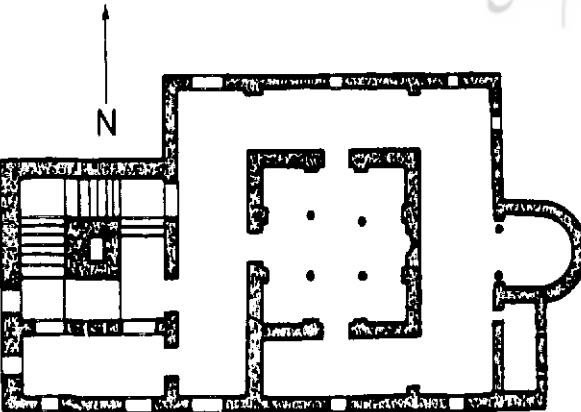


نقشه مسجد جامع، هراز، که بسط دادن جانب قبله و دو مناره در جانب شرقی سالن نماز (محوطه اصلی با رنگ سیاه نشان داده شده است) را نشان می دهد.

نقشه طبقه هم کف و طبقه بالایی مسجد دانگولا، کلیسای که در قرن شانزدهم به مسجد تبدیل شد.

نقشه مسجد فصر ابریم، کلیسای جامع که در قرن هفدهم به مسجد تبدیل گردید؛ محراب و منبر زمانی که جهت یابی بنا در اوایل قرن هفدهم تغییر کرد اضافه گردید که در جانب جنوب شرقی، در مقابل جهت کعبه قرار دارند.

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



تجاری بین اسوان و دریای سرخ و در نتیجه فعالیت‌های اکتشاف معادن طلا در این مناطق گسترش یافت.

شمال سودان، در طول هزاران سال توسط فرهنگ‌های روستایی و بیابانی انباشته گردیده، به‌طور گسترده‌ای از نظر جاذبه فرهنگی به اسلام گرویدند. ساکنان ثابت «نوبیا»، در طول سواحل رود نیل گسترش یافتند اما قبیله فونج که اکثر آن‌ها بیابان‌گرد بودند و انبوهی دیگر از گروه‌های بیابان‌گرد چون جوهانیا، فازارا و شوکریا، کبابیش و بگارا، مناطق خشک و لم‌بزرع را اشغال کردند، در حالی که استان‌های جنوبی که کشاورزان ساکن در آن‌جا مستقر بودند، از نظر قومی بکدست باقی ماند و بر سنت‌های بومی منطقه خود پایدار ماندند.

افتتاح کانال سوئز در سال ۱۸۶۹، تأثیر بسیار مهمی بر اقتصاد این منطقه برجای گذاشت. دریای سرخ به یکی از مهم‌ترین آبراه‌های جهان تبدیل شد. بنادری چون سواکین که در سال ۱۸۰۵ تقریباً در حال تخریب بودند؛ مراکز توسعه فعالیت‌های بازرگانی گردیدند، اما ورود کاروان‌ها به درون این سرزمین، موجب ایجاد ارتباط با دنیای معاصر اسلامی گردید که منجر به برقراری «مهدیه» به‌عنوان مخالفتی نهادین علیه استعمارگرایی انگلستان - مصر گردید.^۸

سواکین

محل اصلی استقرار مردم «سواکین» در جزیره‌ای در رأس یک «هرشا» یا خلیج - یکی از چند خلیج دریای سرخ در سواحل سودان می‌باشد. اولین منابع کتبی مربوط به سال ۹۶۹ بوده و این منطقه حداقل تا اوایل قرن سیزدهم دارای جمعیتی آمیخته از مسلمانان و مسیحیان بوده است. سواکین به‌عنوان بندری برای حمل و نقل بین دریای سرخ و مسیرهای کاروانی که به‌سوی داخل سرزمین به‌ویژه دره نیل در حرکت بودند، عمل می‌کرد. به‌نظر می‌آید که در طی قرون شانزدهم و

هفدهم که شهر تحت کنترل هسمانیان قرار داشت، از اهمیت آن کاسته شده است. اما پس از گشایش کانال سوئز در سال ۱۸۶۹، مجدداً اهمیت خود را بازیافت. در طی سی سال بعد مساجد و خانه‌های بسیاری ساخته شدند. بین سال‌های ۱۹۰۹ و ۱۹۲۲ بیش‌تر کارهای تجاری به‌سوی بندر سودان تغییر جهت دادند و اگرچه اهالی این جزیره آن را ترک گفتند اما هنوز در سرزمین اصی مردمانی ساکن می‌باشند.^۹

مسجد مجیدی که در سرزمین اصلی در کنار کاروانسرا قرار دارد اگرچه بازسازی شده، در اصل متعلق به پیش از قرن شانزدهم می‌باشد. نقشه آن دربرگیرنده دو ردیف صحن طولی موازی با محراب بوده و پشت این دو صحن یک محوطه باز قرار می‌گرفته است. فقط یک مناره هشت‌ضلعی، که در گوشه جنوب غربی واقع شده است، دارای دیواره سنگی کنده‌کاری شده می‌باشد و در شمال شرقی مدرسه قرآنی قرار گرفته است (خلوة). مسجد حنفی، در این جزیره، دارای نقشه‌ای مشابه این مسجد می‌باشد و دارای محراب اندودکاری شده و منبر سنگی بسیار زیبا می‌باشد.

مسجد سید محمد السیره، که بزرگ‌ترین مسجد سواکین می‌باشد، در اواخر قرن نهم ساخته شد. صحن آن که به‌طور مشخصی مجزا می‌باشد، توسط صحنی با سه گوشه احاطه شده است، سه صحن طولی موازی با دیوار قبله بوده و برج مناره آن در گوشه جنوب غربی، بیانگر توسعه مساجد پیشین می‌باشد. در گوشه شمال غربی (جایی که خلوة معمولاً قرار می‌گرفته) آرامگاهی با یک گنبد ساخته شده است. این ساختار نمایانگر یک کفگیرک فوقانی از الگوهای گچی مارپیچ و پنجره‌های مشبک بسیار دقیق (بر روی چوب عاج جاوه کنده‌کاری شده است) روی هر کدام از چهار گوشه دیده می‌شود.

هرا

هرا که در حاشیه دشت اتیوپی در محل تلاقی مسیرهای

کاروان که از بنا در زیلا و بوبرا در خلیج عدن به طرف داخل سرزمین می‌باشند، واقع می‌باشد و نقش بسیار مهمی در معرفی و توسعه اسلام در شمال شرقی آفریقا، ایفا کرده است.^{۱۱} این شهر دارای حصاری (۸۷۵×۱۱۰۰ یارد یا ۸۰۰×۱۰۰۰ متر) با پنج دروازه بوده که نام هر کدام برگرفته از هر یک از پنج بخش شهر می‌باشد. در هر کدام از این بخش‌ها در حدود ۶۰ محله کوچک قرار دارد که هر کدام دارای مسجد یا زیارتگاهی بوده یا با واسطه نوعی از فعالیت‌های تجاری با یکدیگر در ارتباط بوده‌اند. از مجموع ۸۶ مسجد، هفت مسجد در خارج از دیوارها قرار دارد و ۸۱ مسجد نیز قبل از ۱۸۸۱ کشف شدند. با ادامه تحقیقات حاضر، برآورد تاریخ پایه‌ریزی و تاریخ ساختن بنا بسیار مشکل می‌باشد اما ریچارد بورتن در دیدار خود از این شهر در سال ۱۸۶۴ اشاره کرده است که در این شهر مساجد بسیاری وجود داشته^{۱۱} اما به دلیل شیوع زمین‌لرزه در این منطقه، احتمال دارد که تعداد بسیار اندکی از این ساختمان‌های اولیه باقی مانده باشند. تاریخ پایه‌ریزی بعضی از این مساجد را می‌توان از روی اسم یا ارتباط نام آن‌ها (منبع مسجد احتمالاً متعلق به قرن سیزدهم بوده، سه مسجد در ارتباط نام «ابادیر» حاکم محلی در قرن دوازده و دست‌کم دو مسجد نیز متعلق به قرن شانزدهم می‌باشد) دیده می‌شوند. اما اکثر این مساجد به نظر می‌آید که در طی اواخر قرون هجدهم و نوزدهم ساخته شده باشند.

مساجد سنتی را از گرانیت و سنگ‌های آهکی می‌ساختند. شالوده این مساجد، همیشه از گرانیت بوده و در گودالی با عمق بیش از یک متر (۳ فوت) پایه‌ریزی می‌شده است. سنگ‌ها توسط مخلوط گِل در کنار هم قرار می‌گرفتند و دیواره‌ها نیز در هر ردیف متوالی باریک‌تر می‌شدند. در سطح زمین، به دلیل مقاومت در مقابل زمین‌لرزه از گرانیت به جای سنگ آهک استفاده می‌شده است. دیوارها که دارای ضخامت تقریبی ۵۰ سانتی‌متر بودند، در فواصل یک‌متری توسط الوارهای

چوبی حمایت می‌شدند (باز هم برای محافظت در مقابل زمین‌لرزه) ارتفاع نهایی آن‌ها به چهار متر می‌رسید (۱۳ فوت). در نهایت، سطح دیوارها را توسط مخلوطی صاف می‌کردند (گوگوبا) و آن‌ها را با آهک سفیدکاری می‌نمودند. الوارهای سقف بر روی ستون‌های چهارگوش بزرگی قرار داشتند که یک الوار چوبی متقاطع که دارای ۵ متر (۱۶ فوت) طول بود را حمایت می‌کردند. فضای بین این تیر و دیوارهای جانبی توسط لایه‌ها و سنگ‌های کوچک و مخلوط گِل پوشانده می‌شد. مجموعه پیش‌تری از لایه‌های ثانوی به صورت زاویه قائمه نسبت به لایه‌های اولیه قرار می‌گرفتند. و بر روی این لایه‌ها، حصیرهایی قرار داده می‌شد. تمامی سطح به‌طور صاف اندود می‌شد. شیارهایی بر روی سطح بالایی سقف به‌منظور جمع‌آوری آب باران تعبیه شده بودند که از طریق ناردان‌هایی از دیوارها آب را به بیرون هدایت می‌کردند. چنین سقف‌های گِلی و سنگی هیچ‌وقت عایق آب باران نبوده و اغلب نیاز به اندود مجدد گوگوبا داشتند.

مسجد جامع دارای نمازخانه مستطیل‌شکلی بوده که در اواخر دهه ۱۸۸۰ در دوران امیر عبدالله از جانب قبله بسط داده شد و شکل T مانند به خود گرفت بنابراین ترتیب اصلی محراب هنوز ناشناخته باقی مانده است. محراب کنونی دارای یک فرورفتگی ساده با یک ستون گچ‌بری شده می‌باشد. منبر چوبی که مربوط به ۱۷۶۱ می‌باشد، در کنار آن قرار گرفته است. ویژگی بارز این مسجد، مناره دوپهلوی آن می‌باشد. در غیر این صورت مناره‌ها تا زمان بعد از اشغال اتیوپی در سال ۱۹۳۵ توسط نیروهای ایتالیایی ناشناخته باقی می‌ماندند.

مساجد کوچک‌تر که به‌ندرت دارای ابعادی بیش از ۷×۵ متر (۲۳×۱۶ فوت) بودند، دارای طرح نسبتاً استاندارد می‌باشند. ساختمان سقف، توسط ستون‌های مورب حمایت شده و دارای نمازخانه‌ای که عریض‌تر و

محراب در کیز بسکازی، زنگبار، با خط کوفی گل دار و طاق داخلی به شکل سه پرده.



نظامی خود به دانگولا موفق شد تا یکی از شاهزادگان مسلمان نوبیا را به مسند قدرت نشاند و المقریزی نیز در اوایل قرن پانزدهم به شکل مکتوب اشاره می‌کند که نوین‌ها این شرط را پذیرفتند که مسجدی را که مسلمانان در مرکز شهر ساخته بودند به‌خوبی نگهداری کنند.

در این زمان، کلیسای را در بخش قدیمی دانگولا به مسجد تبدیل کردند که در کنیه‌ای که (به تاریخ ۱۳۱۷) در مجاورت محراب یافت شد، از آن یاد شده است. در نتیجه این عمل ساختمان سنگی دو طبقه‌ای به‌وجود آمد که در آن طبقه پایین دارای دو اتاق محکم استوانه‌ای شکل موازی، قبله و یک محراب نامتعارف بسیار بزرگ و نیم‌دایره‌ای شکل بوده است. در مقابل، طبقه بالا دارای صحن مرکزی مسقف بوده و از سه درخت خرما ساخته شده بود و توسط چهار ستون حمایت می‌شد که یکی از آن‌ها چوبی همراه با سقفی از جنس چوب و سه‌تای دیگر از سنگ و دارای سرستون‌هایی شبیه دوران امپراتوری روم شرقی بوده است.

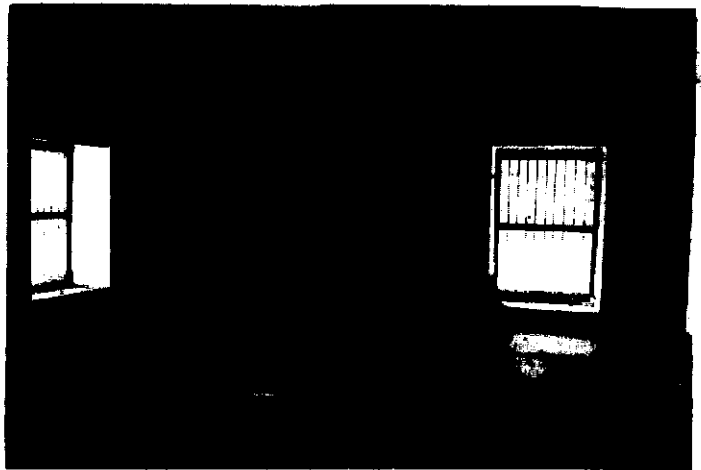
قصر ابریم

قلعه قصر ابریم که در کنار نیل و در ۱۹۰ کیلومتری (۱۲۵ مایلی) جنوب اسوان واقع شده است، به‌عنوان یک پاسگاه مرزی بین نومیا و مصر مسلمان عمل می‌کرد. این قلعه که تحت حمایت پیمان «بقت» قرار داشت اقامتگاه اسقف و «اپارک»، مقام مسیحی که تجارت در نومیا را تنظیم می‌کرد، قرار داشت. اگرچه آثار اسلامی زیادی (از قبیل نساجی، کوزه‌گری، شیشه‌گری، فلزکاری) و مدارک مربوط به دوران پیش از ۱۵۶۰ زمانی که نیروهای عثمان کنترل قلعه را در دست گرفتند یافت شد و مکانی که تا ۱۸۱۱ به‌عنوان پادگان نظامی از آن استفاده می‌شد^{۱۳}، مشخص شده است؛ اما شواهد باستان‌شناسی می‌گویند که مسیحیان تا اواخر قرن

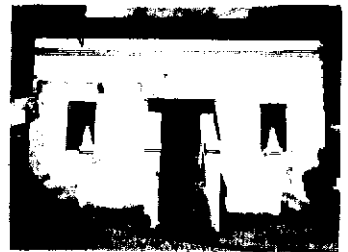
فقط دارای یک مدخل در جانب جنوبی از سوی ایوان با حیاطی که به‌عنوان فضایی اضافی در موقع لزوم مورد استفاده قرار می‌گرفت، در ارتباط بوده و هم‌چنین مکانی برای پرورش گیاهان دارویی بوده است. در یک گوشه از حیاط نمازگزاران، وضو می‌گرفتند و این آب با لوله‌کشی در اختیارشان قرار می‌گرفت و سالن نماز، اغلب دارای اتاق جانبی بوده و بعضی اوقات برای نمازخوانی زن‌ها یا اقامتگاهی برای طلبه‌ها و مسافران مورد استفاده قرار می‌گرفت ولی در هر صورت، دارای دری مجزا از سوی حیاط بوده است. در حقیقت هر مسجدی دارای پله‌کان مناره در دیوارهای ضلع جنوب‌شرقی سالن نماز بوده که گاهی اوقات دارای مناره کوچکی که اطراف آن باز می‌باشد، بوده است (به‌منظور حفظ نمودن از خورشید و باران). این محراب طبیعتاً دارای فوس ساده بیضی‌شکل بدون سه ستون و فرورفتگی‌های نیم‌دایره‌مانند که بیش‌تر منحنی شکل بوده تا چهارگوش، بوده است.^{۱۴}

دانگولا

در سال ۶۵۱-۲، مسلمانان مصر با لشکرکشی ناموفق خود تلاش کردند تا حکومت پادشاهی مسیحی دانگولا پایتخت پادشاهی نوبیا که در فاصله ۶۰۰ کیلومتری (۳۷۵ مایلی) اسوان قرار داشت و تا آن‌جا پنجاه روز راه بود را به محاصره خود درآوردند. خیلی زود پس از به‌وجود آمدن خلافت فاطمی در شمال آفریقا در ۹۶۹، سفیرانی به دربار دانگولا گسیل شدند تا پادشاه نوبیا را به اسلام فراخوانند و این‌بار نیز هیچ موفقیتی به‌دست نیامد. همانند هر جای دیگر در آفریقا، اسلام ابتدا از طریق نفوذ تدریجی در طبقات بالای حکومت نوبیا گسترش یافت. در میان گروه‌های بیابان‌گرد که در این منطقه در اطراف دانگولا ساکن هستند اطلاعات بسیار بیش‌تری از اصل نوبیان سنت به مناطق جنوبی‌تر وجود دارد و هنوز نیز مردم به لهجه نوبین صحبت می‌کنند. در سال ۱۳۱۶، یکی از مملوک‌ها با لشکرکشی



اکثر مساجد شرق آفریقا در قیل از قرن ۱۲ مقیاسی کوچکتر و مخصوصی تر از مساجد سایر مناطق داشته‌اند. مسجد سمید بن سلطان (بالا) در استونی، زنگبار در سال ۱۸۴۰ میلادی به عنوان عبادتگاه خصوصی حاکم ساخته شد. یک مسجد کوچک قرن ۱۸ در مالتیدی، زنگبار فضای داخلی ساده‌ای دارد که تنها جنبه تزئینی آن یک محراب طاقچه‌دار (وسط) است که از بیرون مانند پیش آمدگی دیوار شمالی به نظر می‌رسد.

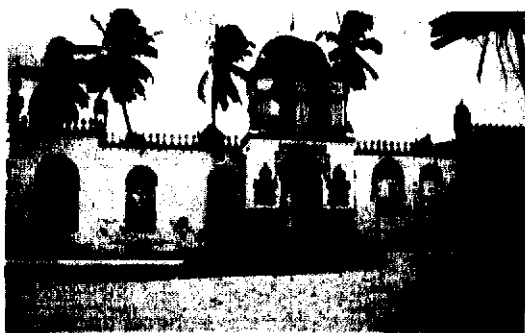


مسجد جامع درشلا در جزیره لامو، کنیا، متعلق به قرن نوزدهم می‌باشد. فضای درونی سالن نماز دارای یک‌سری ستون‌های حجیم چندگوش بوده، مناره مجزا در گوشه شمال شرقی قرار گرفته است.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی



مسجد ریاضه در جزیره لامو، کنیا، در سال ۱۹۰۲-۳ ساخته شد. سبک آن نشان دهنده شواهد بارز نفوذ پانته به ساحل شرقی آفریقا توسط ساکنان هندی الاصل می باشد.

پانزدهم در کنترل باقی ماندند. بنا به گفته‌های محلی، سربازان را از بوسنی آورده بودند. علاوه بر تعداد زیادی خانه که در دوران عثمان ساخته شدند، دو مسجد نیز شناسایی شده است که هر دو مجدداً به عنوان کلیسا مورد استفاده قرار گرفته‌اند. بنای تأثیربرانگیز کلیسای جامع با تغییر جهت ۹۰ درجه محور کلیسا، به یک مسجد تبدیل گردید. فضای مقدس با گنبد و محرابی از جنس خشت خام به آن افزوده شد. شکست مسیحیان در دویا در سال ۱۵۰۴ منجر به تأسیس پادشاهی فونج (السلطان الزرقا یا پادشاهی سیاه) گردید که از نظر اسمی، عربی و اسلامی شده بود. همراه با جمعیتی شامل روستاییان بیابان‌گرد و بردباری که مدام در این منطقه که از شمال تا آبشار سوم نیل و از جنوب تا کوهپایه‌های اتیوپی و از غرب به صحرای کوردوفان کشیده شده بود، در حرکت بودند. اسلامی کردن این سلسله یک قرن بعد (در واکنش به فشار سیاسی شمالی) منجر به ساخته شدن پایتخت دائمی در «سنار» و بنای اولین مسجد آن (۱۶۱۶-۲۵) گردید. قصر پنج طبقه، که خیلی زود پس از بنای شهر ساخته شد، اکنون به خرابه‌ای مبدل شده اما آن‌طور که در سال ۱۷۳۳ ثبت گردید، این ساختمان دارای حفاظ یا «دونجون» عمودی با دیوارهایی که به تدریج باریک می‌شده‌اند بود که ساختمان قصر در هر طبقه به آن وصل می‌شده و دارای پنجره‌هایی به سبک اروپایی بوده است. این‌طور به نظر می‌آید که مسجد نیز به همین سبک ساخته شده باشد: دو برج مناره با راه‌پله‌هایی داخلی مُشرف بر رود نیل. در مقابل آن‌ها یک مدخل قوس‌مانند اصلی و دیوار قبله با پنجره‌های بزرگ مشبک و یک محراب نسبتاً ساده.^{۱۴}

برخلاف سایر بناهای شهری و مذهبی در شرق آفریقا، معماری با آجر پخته، با رابط‌های چوبی افقی، برای دیوارهای مساجد و قصر در «سنار» به کار رفت. آجر پخته از زمان‌های قدیم در کناره نیل به کار رفته است اما در منطقه فونج، بناهای تاریخی نظامی (هم‌چنین

خانه‌های شهری معاصر) - اغلب دارای سه طبقه - از مواد خاکی حجیم بوده و دیواره‌های گیلی مخروطیه (جانوس) دارای هیچ‌گونه حفاظ درونی نبوده است (تکنیکی مشابه با ساختمان دیوارهای رایج در اروپا و دیوارهای «پیزه» در شمال آفریقا). در قسمت‌های شمالی‌تر، سنگ‌های لخت و پوشیده‌نشده و مخلوط گِل مواد مناسبی بودند که در ساختمان قصرها و مساجد از اهمیت بیش‌تری برخوردار بودند.

اسلامی کردن مردم و حکومت سلطان نشین فونج، به‌طور اصلی، وظیفه مردان مقدس (فاکیس) بود که در حیاط مسجد اقامت داشتند و قرآن می‌آموختند که با معرفی شیوه صوفیانه و با میراث معماری خود که به شکل مقبره‌هایی در محوطه قرار گرفته‌اند، برای آیندگان برجای مانده‌اند. زوال پادشاهی فونج در قرن هشتم، تسخیر این کشور را توسط مصر در قرن نهم تسهیل کرد و موجب تسریع روند اتحاد و آغاز تمایلات مذهبی اسلامی جدیدی شد.

ساحل سواحیلی

گسترش اسلام در طول ساحل سواحیلی از طریق تجارت دریایی که به وسیله بادهای فصلی اقیانوس هند کششی‌ها را بدان‌سو می‌راند، آغاز گردید. از اکتشافات باستان‌شناسی در محل چیبون در جنوب موزامبیک این‌طور برمی‌آید که این تجارت در اواخر دوران پیش از اسلام به آفریقای جنوب غربی رسیده بود. مقبره‌هایی که در این مکان قرار دارند و متعلق به قرن نهم می‌باشند حاکی از حضور اسلام در این منطقه می‌باشند. باقی‌مانده‌های مساجد چوبی و سنگی که از قرن هشت تا ده برجای مانده است، در شانگا در مجمع‌الجزایر لامو یافت شده‌اند.^{۱۵}

شواهد باستان‌شناسی می‌گویند که این ساکنان اولیه، بومی بوده‌اند که بخشی از آن‌ها از طریق منابع دریایی و بخشی از طریق تجارت با جمعیت مخلوط



(بالا) مسجد جامع در نایروبی، پایتخت کنیا، با شباهت‌هایش به مساجد هندی، به‌خصوص وجود گنبد‌های سه‌گانه، یکی از مهم‌ترین مساجد شهری است. در هرات در انبوی مسجد جمعه (مقابل) که شکل کنونی خود را در دههٔ ۱۸۸۰ به‌دست آورد به‌خاطر مناره‌های دوگانه‌اش مورد توجه است - یک خصوصیت منحصر به‌فرد در شرق آفریقا قبل از اشغال کشور به‌وسیلهٔ ایتالیایی‌ها در سال ۱۹۳۵.

مسلمانان و هم چنین آن‌هایی که معتقدان به روح بودند، امراز معاش می‌کردند. مکانیسم‌های متعددی برای چگونگی نفوذ اسلام به این مناطق ساحلی مطرح شده است که از جمله سکنت‌گزیدن مهاجران عرب و تغییر دین مردم محلی و آزادکردن برده‌ها از عوامل آن می‌باشند.^{۱۶}

اولین معماری سنگی از سال ۹۰۱ میلادی به بعد، تنها در مکان‌های معدودی یافت شده‌اند که شامل مساجد و ساختمان‌های غیر مذهبی می‌باشد. تا سال ۱۱۰۰ میلادی، اسلام به‌طور گسترده‌ای شروع به گسترش به جوامع ساحلی سواحلی کرد که در آنجا به‌عنوان مذهب اصلی درآمد. این نقطه عطف، در تاریخ‌های اولین کتیبه‌های مساجد اختصاصی (۱۱۰۴ «باراوا» و ۱۱۰۷ برای کیزیکازمی و زنگبار) منعکس گردیده است. در آغاز ۱۳۰۰ استفاده از مرجان به‌جای چوب در ساختمان‌سازی رواج یافت و ساختمان‌های سواحلی چهره‌ای شهری به خود گرفتند. شهرهایی با خانه‌های بسیار زیاد همراه با مساجد در فاصله اندکی از یکدیگر گسترش یافتند که توسط تجارت اشیای گران‌قیمت داخل کشور، حمایت می‌شدند که برجسته‌ترین این شهرها سوگادیشو، باراوا، پلنت، لامو، مالیتدی، مومباسا و کیلوا می‌باشند. بسیاری از مساجد مهم که باقی مانده‌اند، متعلق به قرون شانزدهم تا هجدهم هستند که این دوره به دلایل متعددی عصر طلایی معماری سواحلی به‌شمار می‌رود.^{۱۷}

در اوایل قرن نوزدهم، ورود تعداد قابل توجهی از اعراب، عمدتاً عمانی (برای اولین بار به ساحل آفریقا)، در زنگبار و مومباسا، موجب تأثیرات جدیدی گردید. آن‌ها از توسعه و پیشرفتی که از برده‌داری، تجارت در سرزمین‌های داخلی و ثبات سیاسی اعمال‌شده توسط حاکمان بوسعید حاصل شده بود جذب گردیدند به‌ویژه زنگبار و ثروت هنگفتی به‌منظور نوسازی شهر، مساجد و قصرهای سلطنتی جمع‌آوری گردید. هنرمندانی از هند

و هم چنین خاورمیانه فراخوانده شدند و سبک معماری زنگبار از درآمیختن رسوم سواحلی و نفوذهای بیگانه به‌ظهور پیوست.^{۱۸}

بناهای سواحلی در ساحل شرقی آفریقا، بیانگر سبک بسیار خاصی از معماری می‌باشد. در مقایسه با ساختمان‌های گلی-آجری و خاکی که در سرتاسر قلمرو به چشم می‌خورد، خانه‌ها و مساجد از سنگ ساخته شدند. اما یافتن بناهایی با معماری شبیه به این ساختمان‌ها مشکل می‌باشد و حتی نمی‌توان در سراسر اقیانوس هند نیز ساختمان‌هایی مشابه این بناها را یافت. در حالی که وام‌گیری‌های بسیار زیادی از مفاهیم معماری و عناصر دیگر از فرهنگ‌های مختلف وجود داشته ولی در ماهیت خارجی این معماری بسیار غلو شده است. تأثیرات و نفوذ بیگانه همیشه بیش‌تر توسط صنعت‌گران بومی به یک سبک مخصوص سواحلی تغییر می‌یافت.^{۱۹} مصالح ساختمانی اصلی که مورد استفاده قرار می‌گرفتند عبارت بودند از: مرجان، اندود و چوب. مرجان دو نوع بود: مرجان‌های خاکی و پورتیس^{۲۰}؛ دیوارهای محکم با ضخامت حداقل ۳۵ سانتی‌متر (۱۴ اینچ) با ترکیب صخره‌های سخت مرجان با آهکی که در محل یافت می‌شد، ساخته می‌شد و بنابراین بقای چند صد ساله آن را تضمین می‌کرد. در مواردی استفاده از چوب‌های محافظ بین ردیف‌ها، موجب استحکام اضافی می‌شدند. تا قرن نوزدهم (وقتی علم‌گندین مرجان پورتیس از بین رفت) سطح دیوارهای تزئین‌شده، با استفاده از رویه‌های پورتیس ساخته می‌شد. محراب‌ها اغلب کاملاً از پورتیس ساخته می‌شدند. حفاری‌ها نشان داده‌اند که این ماده به‌طور گسترده‌ای در قرون ۱۵ و ۱۶ به‌شکل تکه‌های منظم بریده‌شده برای ساختمان دیوار مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

از قطعاتی که در حفاری‌ها به‌دست آمده‌اند این‌طور برمی‌آید که در ساختمان‌های پس از قرن دهم از اندود

استفاده می شده است و این در حالی است که یک جفت طاقچه گچ کاری شده از ساختمان سنگی قرن چهاردهم، در «شانگه» برجای مانده است. اما بهترین نمونه اندودکاری در اوایل قرن نهم در لامو به تکامل رسید و جانشین مرجان‌های پورتیس برای حاشیه‌های زیبای طاقچه‌های دیواری و تیرهای عمودی چارچوب گردید. محراب‌ها نیز با اندودکاری عالی تزیین یافتند. سنت اندودکاری با لامو تا به امروز نیز ادامه دارد اگرچه بعضی از سطوح زیبایی که در ساختمان‌های قدیمی یافت می شوند را نمی توان به سادگی تجدید کرد.

سومین ماده‌ای که در ساختمان‌سازی سواحیلی مورد استفاده قرار می‌گرفت، الوار بود - قسمت‌هایی از درخت کرنا و چوب‌های سخت همانند مرجان که این مصالح به راحتی در محل موجود بودند.^{۲۱} قسمت‌های چوبی کرنا، که دارای عمر طولانی بوده و در مقابل موربانه‌ها مقاومت نشان می‌دهند، به‌طور گسترده‌ای در ساختمان سقف به کار می‌رفت اما ادامه رشدش موجب محدود شدن فضا و بنابراین محدود کردن عرض اتاق به ۳ متر (۱۰ فوت) می‌شد. چوب‌های سخت که از جنگل‌های ساحلی تهیه می‌شدند، در خانه‌های طبقات مره و سقف مساجد که محتاج فضای بیش تری بودند، مورد استفاده قرار می‌گرفت. اگرچه تاریخ اولین استفاده از چوب سخت نامشخص می‌باشد، تا قرن سیزدهم از آن‌ها در سقف و ستون‌های مساجد و معماری داخلی بنا استفاده می‌کردند و تا قرن چهاردهم غالباً تخته‌های سنگین در سقف به کار می‌رفت؛ اما با بارزترین نمونه استفاده از چوب‌های سخت برای الگوسازی ظریف درهای کنده کاری شده و چوب‌های سردر می‌باشد. ظاهراً هیچ‌گونه نمونه‌ای که نشانه تاریخی پیش از اواخر قرن هفدهم باشد، موجود نمی‌باشد و گاهی این‌طور ادعا می‌کنند که این درها که نمایانگر طراحی سبک هندی یا عثمانی به‌شمار می‌روند، بر روی چوب‌های درختان محلی صورت گرفته‌اند.^{۲۲} این مصالح و

فن‌آوری‌ها به منظور خلق سبک محلی مساجد سواحیلی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. طرح اصلی مسجد، سالن نماز مستطیل شکل، با اضلاع ۲۰:۳ یا ۳:۴ و سقفی که بر روی یک یا دو ردیف ستون قرار داشتند، حمایت می‌شد. مساجد اولیه دارای ستون‌های چوبی بودند و بعدها ستون‌های سنگی گرد یا چهارگوش نیز مورد استفاده قرار گرفتند. سقف‌ها را از صخره‌های مرجان می‌ساختند که بر روی تیرهای سخت چوبی قرار می‌گرفتند و پله‌ها نیز به نمازخانه منتهی می‌شدند. فضایی برای وضوگرفتن در بیرون تعبیه شده بود که اغلب سرپوشیده نبود و هم چنین مخزن و چاهی داشت و ایوان‌ها نیز گاهی در جانب شرقی یا غربی نمازخانه قرار می‌گرفتند. در چنین طرحی، طبیعتاً طاق‌های متوالی یا راهروهای جانبی و تیر سردر پهن یا قوس‌های برجسته وجود داشته‌اند که توسط مرجان‌های پورتیس پوشیده شده است. برج‌های مناره خیلی نادر بودند: مجموعه کوچکی در جنوب سومالی قرار دارد که متعلق به قرن سیزدهم بوده و هم چنین نمونه‌هایی از قرن هجدهم در لامو، مومباسا و زنگبار نیز به چشم می‌خورند.

محراب که جنبه تزیینی اصلی مسجد است اشکال مختلفی به خود گرفت. در ساده‌ترین شکل، محراب یک طاق زاویه‌دار با طاقچه است، اما شکل رایج‌تر محراب یک طاق دارای زاویه در قسمت بالایی با چندین ستون است که بر روی یک سرستون قرار دارند و گچ‌بری‌هایی روی آن‌ها وجود دارد. گاهی اوقات در ساختمان محراب یک طاق داخلی سه‌پره نیز وجود دارد. تزییناتی بر روی ستون‌های چوبی عمودی، محراب‌های قوسی، فضاهای مثلثی دو طرف طاق و گچ‌بری‌ها انجام می‌شود. پنجره‌های مدوّری که به زیبایی کنده کاری شده‌اند در گچ‌بری‌ها جای داده می‌شوند و گچ‌بری‌های جناغی در اطراف آن قرار دارند و بر روی سرستون‌ها کتیبه‌هایی نگاشته می‌شوند.

قدیمی‌ترین محراب شناخته‌شده در کبیریمکازی در زنگبار با کتیبه‌ای به خط کوفی گل‌دار تزئین شده که آن را به تاریخ ۵۰۰ هجری یا ۱۱۰۷ میلادی منسوب می‌کند و دربردارنده تمام این عناصر است، اما چنین تصور می‌رود که این محراب در قرن ۱۸ بازسازی شده و بزرگ‌تر شده است. ۲۳ با وجود این، کشف یک محراب دیگر متعلق به قرن ۱۲ در جزیره تومباتو که به همان سبک ساخته شده و دارای طاق داخلی سه‌پره هم هست نشان می‌دهد که این سبک به احتمال زیاد سبک اصلی است. یک ابداع تازه استفاده از دهانه بیضوی به جای دهانه زاویه‌دار در محراب است. این شکل مخصوص در جزیره پمبا، در جایی که رسوم مستحکم جامعه مذهبی از اوایل قرن پانزدهم به بعد توسط خاندان‌های شریف که از عربستان جنوبی آمده‌اند به جا مانده است. یک خصوصیت دیگر تعدادی از محراب‌های اولیه دارای طاق‌های نوک‌دار بریدگی کوچکی است که به عنوان یک جزء تزئینی در نوک طاق قرار دارد و تقلیدی از طاق‌های رومی است.

سنگ‌های سر طاق که درک روشنی از کاربرد سنگ‌ها بوده کاملاً متروک شده‌اند. منبرها سه نوع متفاوت بود: چوبی، سنگی و طاقچه‌دار. نوع چوبی متحرک رایج‌ترین نوع بود و شواهد باستان‌شناسی از الگوی پوشش کف منبر از قرن ۱۳ در تومباتو وجود دارد، اما قدیمی‌ترین منبر چوبی (۱۵۳۳) که کاملاً سالم مانده در سیو در پیت‌ابلند قرار دارد. منبرهای دیگری در لامو، پیت، توندوا و ماتاندونی وجود دارند. منبرهای سنگی در تعدادی از مساجد تخریب‌شده یافت می‌شوند: یکی در آنگوانا (که بزرگ‌تر از همه است) از یازده پله و یک نرده متشکل بوده است. منار و محراب طاقچه‌دار از طریق پله‌هایی در دیوار به هم مرتبط می‌شوند. تمام نمونه‌های شناخته‌شده متعلق به قرون ۱۸ و ۱۹ هستند و به نظر می‌رسد که این اطلاعات از ابداعات اهل محل باشد.

شواهد کمی وجود دارد که نشان دهد این مساجد به صورتی اساسی طراحی شده‌اند. در حالی که یک مقیاس ذراع اصلی (اگرچه غیر استاندارد) استفاده می‌شد و به نسبت ثابت می‌ماند (حداقل برای شهبان) شواهد کمی برای نشان‌دادن اسکلت‌بندی و پوشش سقف پیشرفته و یا وفاداری کامل به یک نقشه دقیق وجود دارد. اغلب، زوایای راست دقیقی وجود ندارند. این امر محتمل به نظر می‌رسد که مساجد به وسیله هنرمندان محلی که استفاده از مواد محلی را توسعه دادند و آن‌ها را با یک روش اصلی رایج تطبیق دادند. بررسی‌های دقیق نشان‌دهنده یک روش محافظ کارانه در مورد طرح و سبک با یک قرن سابقه است. به نظر می‌رسد که طرح اصلی از مساجد کوچک خانوادگی که در قرون ۴ و ۱۰ در خلیج (فارس) در نواحی مانند سیراف رایج بود، اقتباس شده است. قدیمی‌ترین نمونه‌های شرقی آفریقا عموماً کوچک و دارای نسبت‌های مشابه بوده‌اند؛ مساجد دارای نمازخانه‌های ستون‌دار و حیاط کاملاً از منطقه رخت برپسته‌اند.

در طول زمان برای جادادن جمعیت‌های رو به رشد مسلمانان، فضای اضافی با افزودن ستون‌هایی به طرح اصلی ایجاد شد. طرح محراب تغییر اندکی کرد و تنها تغییر مهم در معماری (که به اواخر قرن ۱۳ در کیلوا و موگادیشو برمی‌گردد) استفاده از گنبد و سقف‌های صاف بود. گنبدها در تعدادی از مساجد (موانا، کنگو، چواکا، مسجد کوچک گنبدار کیلوا) تا آغاز قرن ۱۶ که این تکنیک‌ها هم ترک شدند، استفاده شدند.

موگادیشو

پایتخت سومالی جدید، مدت طولانی یکی از مهم‌ترین بنادر ساحل آفریقای شرقی بود که اولین بندر امن جنوب راس هافون بود. حفاری‌های اخیر نتوانسته شواهدی از سکونت، قبل از اوایل قرن ۱۲ را به دست دهد و اولین اشاره تاریخی به شهر به وسیله پاکوت در سال ۱۲۱۰

بوده است.

مطمئناً این شهر در قرن ۱۳ یکی از موفق‌ترین جوامع در منطقه و تعداد بسیار زیادی از کتیبه‌ها از قبرستان‌های بزرگ شانگانی و حَمَزَوِین (متعلق به ۱۲۱۷ تا ۱۳۶۳) کشف شده‌اند. ابن بطوطه که در مسیر سفرهایش در سال ۱۳۲۹ از شهر دیدن کرد، توصیف عینی کامل برج‌های گذاشت. از ۲۸ مسجد باقی‌مانده تنها در سه مورد آن‌ها آثار باقی‌مانده مهمی وجود دارد. ۲۴

قدیمی‌ترین بخش باقی‌مانده از مسجد جاما در حَمَزَوِین مناره استثنایی ساخته‌شده از مرجان مشبک (سال ۱۲۳۸) است. در حالی که درگاه بسیار باریک است و یک قوس مضاعف / ستون‌دار و یک بریدگی در نوک دارد. مسجد کنونی تا حد زیادی نتیجه بازسازی در دهه ۱۹۳۰، موقعی که مناره سابق مجزا به مسجد متصل شد. مرکز یک مسجد قرن ۱۸ در اطراف محراب به‌صورت یک نمازخانه مستطیلی با یک ردیف مرکزی از ستون‌ها و یک اتاق در ضلع غربی باقی می‌ماند. این شکل احتمالاً بازسازی شبستان اصلی متعلق به قرن ۱۳ است. این مسجد در طرح و نسبت تمام خصوصیات مساجد اولیه را دارا است و دارای ستون‌های چهارگوش جانبی است. محراب با استفاده‌اش از تزئینات اندود، کاسه‌های چینی نصب‌شده و یک طاق چندلایه، تا حد زیادی به قرن ۱۸ برمی‌گردد؛ اما شامل یک کتیبه کوفی جدید است که احتمالاً هم‌زمان با مناره ایجاد شده و از مسجد اصلی اقتباس شده است.

مسجد فخرالدین تنها نمونه قرون وسطایی در ساحل سواحیلی است که تا حد زیادی بدون تغییر مانده است، اما هنوز استفاده می‌شود. این مسجد که یک بازمانده بسی نظیر و مهم است یک ساختمان دارای تزئینات استادانه است که تاریخ آن به‌وسیله حکاکی برجسته بر روی مرمر سال ۶۶۷ هجری / ۱۲۶۹ میلادی را نشان می‌دهد و احتمالاً تنها ساختمان مدرن این

سواحل است که توسط یک معمار طراحی شده است. طرح مستطیلی جمع و جور آن به‌صورت اساسی با طرح‌های سایر مساجد سواحیلی در این دوره متفاوت است. حیاط داخلی به‌وسیله اتاق‌هایی در تمام جهات احاطه شده است. مضامع طولی گنبد مخروطی هشت‌وجهی روی رواق و یک گنبد کله‌قندی که بر روی مرکز شبستان قرار دارد کاملاً با طرح گنبد‌های تحنانی خارجی تناقض دارد. گنبد رواق به‌یادآورنده چادرهای آفانیی زمان حاضر است در حالی که گنبد‌های کله‌قندی نه‌تنها شکل مقبره‌های سودانی را به یاد می‌آورد بلکه، با قرارگرفتن در مرکز ردیف‌های ۳ تایی ۹ گنبد درخت غار آن‌ها را به شکل فضای متحدالشکل ترکیب می‌کند و ترکیب یک میدان جادویی را به یاد می‌آورد. تیرهای شیب‌دار عرضی به‌صورت یک هشت‌ضلعی در اطراف یک سقف مطح چیده شده‌اند. درگاه‌های خارجی دارای ستون‌های طاقچه‌دار چندلایه و بریدگی رأس تزئینات برجسته بر روی گچ‌بری است. در حالی که اطراف راه ورودی اصلی دارای مرمر عالی‌کننده‌کاری شده است که شامل نقوش گل‌دار به‌هم‌پیچیده و یک کتیبه است. درگاه مرکزی داخلی - یکی از زیباترین درگاه‌های باقی‌مانده در تمام ساحل - تماماً از قطعه‌های مرمر وارداتی که به ظرافت کنده‌کاری شده‌اند و در آن‌ها طرح‌های گل‌دار برجسته پدید آمده پوشانده شده است. ساختمان طاق‌های مخروطی، استفاده از طاق‌بند‌های لچکی به‌جای سکنج، شکل سرستون‌ها و جنبه‌های تزئینی درها تشابه نزدیکی را با مسجد تقریباً معاصر هوسونی‌کوبوا در کیلوا باعث می‌شود.

محراب اگرچه در قرن ۱۸ به‌شکل یک قوس بیضوی و یک طاقچه چهارگوش بازسازی شد، هنوز لوحه مرمرین اصلی (که تزئیناتی تقریباً مشابه کتیبه‌های کیلوا را دارد) و یک تکه سفال که نام بنیان‌گذار و تاریخ آن را دربر دارد را داراست.

کیلوا کیسوانی

کیلوا که اکنون در نائزانیاست به صورت نوجیه‌پذیری معروفترین مکان قرون وسطی در ساحل سواحیلی است. در این مکان باقی‌مانده‌های مهمی از گروه بزرگی از بناهای قدیمی شامل مسجد کبیر و تعداد زیادی از کاخ‌ها و خانه‌های عادی وجود دارد. کیلوا در اوج رونقش در قرن ۱۴ به وسیله کنترل بیشتر تجارت دریایی با موزامبیک و آفریقای جنوبی که شامل محصولاتی از قبیل طلا و عاج می‌شد، شهری ثروتمند شد. حفاری‌ها آشکار کرده که سکونت در این شهر در قرن ۹ در خانه‌های چوب و گیلی آغاز شد. اولین خانه‌های سنگی و ساختمان مسجد به قرن ۱۲ برمی‌گردد. در حدود سال ۱۳۰۰ یک مجموعه کاخ شامل دو ساختمان اصلی - هوسونی کویوا و هوسونی فودگو - در ۳ کیلومتری (تقریباً ۲ مایلی) شهر اصلی بنا شد. طرحی با عناصر معماری شرقی نزدیک با تخته‌سنگ‌های قرمز و آهک که در محل یافت می‌شوند در بناها اجرا شد و این مجموعه نشان‌دهنده یکی از معدود تلاش‌های گسترده برای واردکردن معماری خارجی به ساحل سواحیلی است.^{۲۵}

اولین کاشفان پرتغالی، مسجد بزرگ - که یکی از باشکوه‌ترین بناهای عمومی در ساحل سواحیلی است - را همانند مسجد بزرگ کوردوبا (قرطبه) دانستند. نمازخانه از مسجد اصلی (شمالی) و قسمت‌های الحاقی بسیار وسیع‌تر که بعدها اضافه شده تشکیل شده است. ساختمان شمالی (که احتمالاً دومین مسجد در این مکان است) یک نمازخانه ساده مستطیلی‌شکل با سه ردیف از ستون‌های چوبی بود. دیوارهای جانبی دارای ستون‌های مستطیلی چسبیده به دیوار و سه ورودی جفتی هستند و درهای جانبی نیز در دیوار جنوبی وجود دارد. بعدها، احتمالاً به منظور تحمل وزن یک سقف جدید دیوارها ضخیم‌تر شدند و وضوخانه که در جهت غربی قرار دارد بازسازی شد.

قسمت الحاقی جنوبی که مساحتی ۲ برابر مساحت مسجد قدیمی را دربر می‌گیرد به سال ۱۳۰۰ برمی‌گردد. فضای دارای طاق‌های گهواره‌ای و گنبد به پنج راهه تقسیم شده که هرکدام شامل شش دهانه (حجره) است و گنبدها بر روی ستون‌های سنگ یکپارچه تکیه دارند. در طرف غربی یک وضوخانه بزرگ که شامل چند حوض، یک مستراح و یک چاه می‌شد، ایجاد شده بود. در سمت شرق یک اتاق گنبددار با درب ورودی و حوض مخصوص ساخته شده بود؛ این قسمت منحصربه‌فرد - که وقایع‌نامه کیلوا می‌گوید که تا سال ۱۳۳۰ وجود داشته - به عنوان نمازخانه خصوصی سلطان استفاده می‌شده است. طرح جاه‌طلبانه آن مشکلات جدی سازه‌ای را به بار آورد و به نظر می‌رسد که قسمت پیش‌تر سقف گنبددار فرو ریخته است. ستون‌های سنگ یکپارچه که فرسوده شده و رها شده‌اند هنوز در بیرون قابل مشاهده هستند. وقایع‌نامه کیلوا چنین ثبت کرد که مسجد در سال‌های ۲۲-۱۴۲۱ بازسازی شد و این احتمالاً تاریخ ساخت طاق‌هایی که بساطی مسانده‌اند و دیوار غربی است. گنبد‌های بازسازی شده بر روی سکنج‌های ساده در امتداد دیوارهای جانبی و انتهایی و بر روی محور مرکزی قرار گرفتند و طاق‌های تونلی در فضاهای بینابین آن‌ها ساخته شدند. در اواخر قرن ۱۸ بعضی دیوارهای تخریب‌شده کاملاً برداشته شدند و به جای آن‌ها یک محراب ساده در انتهای شمالی قسمت الحاقی جنوبی ساخته شد؛ قبل از آن در این نقطه، در قسمت قدیمی مسجد، محراب اصلی قرار داشت.

در همان نزدیکی مسجد گنبددار کوچک - که آن‌هم متعلق به قرن ۱۴ است - با طرح‌های مشابه ولی در ابعاد کوچک‌تری از گنبد و طاق‌های تونلی قرار دارد. دو گنبد از میان شش گنبد شیاردار هستند در حالی که ردیف مرکزی طاق‌های تونلی با کاسه‌های لم‌ب‌دار زینتی اواخر قرن ۱۴ تزئین شده‌اند. محراب که سالم

مانده سه طاق دارد که بر روی چهار میله ستون با قوس تیزه‌دار، گلمیخ‌های لچکی و یک محدوده چهارگوش برای قرارگرفتن کاشی تزیینی در بالای قوس است (قطعه‌ای از یک کاشی لماب‌دار در هنگام حفاری در نزدیکی محل کشف شد). این گلمیخ‌ها همیشه از جنس مرجان‌های مشبک هستند و اغلب طرح‌ها و تزیینات بسیار ماهرانه‌ای دارند. آن‌ها قدیمی هستند (در کیزیمکازی و توبساتو وجود دارند) و یک مشخصه مخصوص معماری سواحیلی هستند. حوض‌ها، مستراح و چاه در جهت جنوب غربی هستند. یک مشخصه غیر معمولی ستون چهارگوشی است که، شاید در تقلید از مقبره‌های عمودی معاصر سواحیلی، بر روی گنبد مرکزی قرار داده شده است. حفاری‌ها هم‌چنین بقایای یک ساختمان سنگی بزرگ را که احتمالاً یک کاخ پادشاهی در اواخر قرن ۱۶ بوده است را آشکار کرده است. کاشفان پرتغالی گفته‌اند که این قصر در کناره غربی شهر قرار داشته است. قصر شامل ۲ حیاط بود که یکی از آن‌ها در کنار یک ایوان طاق‌دار قرار داشت. در داخل این بنا یک مسجد با طاق تونلی و طرحی غیر معمولی وجود داشت: نمازخانه فقط از یک راه تشکیل شده بود در حالی که محراب، به صورت یک اتاق شمالی مجزا در جلو قرار داشت.

لامو

لامو، که اکنون در کنیاست، یک شهر کم‌تغییر سنتی سواحیلی در ساحل است و تحقیقات و توجهات زیادی را به خود جلب کرده است. در دو منتهی‌الیه شمالی و جنوبی شهر شواهدی از سکونت در قرن ۱۰ وجود دارد و توصیفی از شهر که به سال ۱۶۴۱ برمی‌گردد نشان می‌دهد که چگونه قسمتی از شهر پوشیده از شن شد. قسمت اعظم شهر فعلی مربوط به قرن ۱۸ است: ۲۴ مسجد هنوز مورد استفاده هستند و بسیاری از آن‌ها وقف‌نامه‌های سنگی تاریخ‌داری را داراست. مسجد

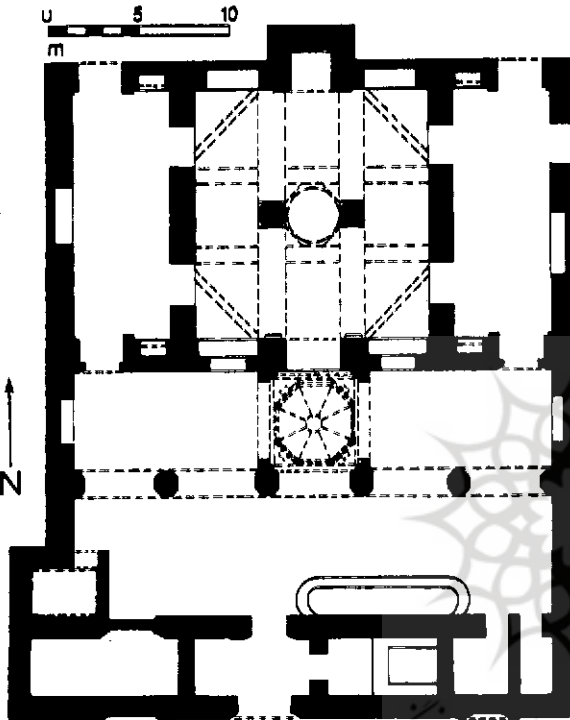
وایوانی قدیمی‌ترین تاریخ را دارد (۷۷۲ هجری / ۱۳۷۰ میلادی) اگرچه خود ساختمان تماماً به اواخر قرن ۱۸ یا اوایل قرن نوزده برمی‌گردد. اکثر مساجد لامو به این دوره متأخر تعلق دارند و وقفیاتی متعلق به سال‌های ۴-۱۷۳۳ تا ۱-۱۸۸۰ دارند. در طول نیمه اول قرن بیستم یک حرکت قوی احیای مذهبی در لامو که به وسیله خاندان‌های شریف، کومور رهبری می‌شد به ساخت تعدادی از مساجد با سبکی غیر سنتی و اصلاح بناهای موجود برای تطبیق دادن بیش‌تر آن‌ها با یک سبک واحد اسلامی انجامید. اولین بناها از این دسته مساجد ریاضه و سواقع بودند؛ این جریان هم‌چنان ادامه دارد و بقای معماری سنتی سواحیلی را تهدید می‌کند.^{۲۶}

مسجد جامع (که اساساً در سال‌های ۱۲-۱۵۱۱ ساخته شده است) یک نمازخانه بسیار بزرگ با پنج ردیف ستون شیاردار دارد که در اطراف یک محوطه خالی مرکزی قرار دارند. وضوخانه‌ای هم در جهت جنوبی قرار دارد. همانند بعضی مساجد دیگر در لامو، ساختمان این مسجد تماماً در قرن ۱۹ بازسازی شد. محراب طاقی به شکل برگ سه‌پره دارد که بر روی لغاز چوبی قرار دارد و در مجاورت آن یک مناره چوبی که تا حد زیادی بازسازی شده قرار دارد.

مسجد نلالو (۱۳۷۵) نمونه‌ای از مسجدهای کوچک‌تر است. این مسجد یک نمازخانه مستطیل شکل با چهار ردیف ستون شیاردار است (سه ردیف اصلی به چهار ردیف افزایش یافته‌اند). بر طبق سبک رایج در مساجد لامو، وضوخانه در سمت جنوبی قرار دارد. محراب سه‌پره لغازهای چوبی و یک وقف‌نامه سنگی دارد. در سمت راست محراب یک اتاق مجزا برای امام جماعت وجود دارد.

مسجد جامع بسیار زیبای شِلا، بنای کوچکی در سمت غرب، به قرن ۱۹ برمی‌گردد. این مسجد هنوز مورد استفاده است و به‌تازگی تعمیر شده است.

طرح مسجد لهرالدین، موگاویشو، که سالن نماز مربعی شکل با گنبدی که در مرکز آن قرار گرفته و گنبد مخروطی هشت وجهی بر روی ایوان را نشان می‌دهد.



در هر کدام از چهار ضلع است. محراب که در ضخامت دیوار قرار گرفته است پایندی کمی به سبک محلی را نشان می‌دهد و مشخصاً عبادی است. اگرچه طرح ساده است، یک طاق به سبک رومی بر روی نمازهای کنده کاری شده قرار دارد و یک گنبد شیاردار نیز وجود دارد که به یک شاه‌نشین داخلی که قرینه طرح خارجی است، منتهی می‌شود.

مساکن و مساجد هندی

حضور جوامع کوچک و احتمالاً کم‌دوام صنعت‌گران هندی در ساحل شرقی آفریقا از حدود قرن دهم به‌وسینه

نمازخانه دربرگیرنده ۲۴ ستون چهارگوش، راه‌های جانبی شرقی و غربی و یک وضوخانه غربی است که حوضی در خارج آب آن را تأمین می‌کند. در گوشه شمال غربی یک مناره شمی غیر معمولی با پله‌های مارپیچ داخلی وجود دارد که روشنایی آن‌ها از طریق پنجره‌های بزرگ تأمین می‌شود. محراب که یک وقف‌نامه سنگی متعلق به سال ۱۸۲۹ در آن مشخص است یک طاق سه‌پره و یک فُزب قائم برکنده‌های لغازی دارد؛ مناره چوبی مجاور آن به سال ۱۸۲۰ برمی‌گردد. سبک ساختمان به‌نظر مطابق با تاریخ و قبیله می‌رسد.

زنگبار

زنگبار به‌عنوان پایتخت پادشاهی یوسعیدی یک دوره ترقی را در قرن نوزدهم تجربه کرد و قسمت بیش‌تر شهر، با خانه‌ها و مساجد سنگی زیبایش، به این دوره تعلق دارند. حفاری‌های باستان‌شناسی نشان داده است این ناحیه از قرن ۱۱ به‌بعد متناوباً محل سکونت بوده است، اما قدیمی‌ترین بقایای ظاهری قسمت‌هایی از قلعه هستند که کلیسای پرتغالی ساخته شده در میانه قرن ششم را دربر می‌گیرد.

قدیمی‌ترین مسجد، مسجد مالیندی ۲۶ مربوط به سده هجدهم است. نمازخانه بازسازی شده است اما مناره نمونه کم‌نظیری از شکاف‌های فوقانی بزرگ پنجره و یک‌دسته از خطوط خیزایی جفتی در پایین را ارایه می‌دهد. از نظر سبک این مناره قابل مقایسه با مناره موجود در شِلاست، مسجدی که توسط محمد عبدالقدیر المنصبی، که در بیرون در مجاورت محراب به خاک سپرده شده است، جدیدتر است.

مسجد اختصاصی سعید بن سلطان در مجاورت قصرش در متونی قرار دارد و منظره جذابی را در بالای ساحل ایجاد کرده است. این مسجد یک نمازخانه تقریباً چهارگوش با یک ستون منفرد مرکزی و دو پنجره بزرگ



مهاجران مهم بوهراها بودند که اغلب تجارت آهن‌آلات و شمع می‌کردند. سایر گروه‌ها شامل تعداد کمی از مسلمانان سنی (اکثراً سیدی و میمن) و هندوها و گوان‌ها بودند. مساجد هندوها در آفریقا که غالباً به‌عنوان جماعت‌خانه شناخته می‌شوند آشکارا با مساجد سواحیلی از این لحاظ که امکانات عمومی شامل سالن‌های طبقه فوقانی، مدرسه، آشپزخانه و حمام به‌علاوه یک کتابخانه و دفتر و حداقل یک نمازخانه فراهم می‌کنند، تفاوت دارند. سبک معماری فرصت کمی برای آشکال سنتی یا در حقیقت استفاده از مواد محلی می‌دهند، چوب-ساج اغلب از هند وارد می‌شود. محراب‌ها اغلب تزینات فراوانی دارند که با روش محلی متفاوت است. مساجد همده هندوها که مربوط به طبقه تاجر بوده در شهرهای اصلی تجاری یافت می‌شوند. در زنگبار جماعت‌خانه اسماعیلیه متعلق به سال ۱۸۳۸ در سال ۱۹۰۵ به‌عنوان یک مسجد و ساختمان عمومی بازسازی شد. در آنجا اثنی‌عشریه

اکتشافات باستان‌شناسی انجام‌گرفته در محل تأیید شده است. تا سال ۱۵۰۴ هندوها از کامبای در مومباسا مستقر شدند و نقش مهمی را در اقتصاد بازرگانی بازی کردند. پرتغالی‌ها نوشته‌اند که آن‌ها مسلمان بوده‌اند یا هندو - در حقیقت آن‌ها بر این باور بودند که تعدادی از آن‌ها مسیحی بودند. از اوایل قرن ۱۹ هندوها در تعداد بیش‌تری در محل ساکن شدند و این زمانی بود که شاخه‌هایی از تجارت‌خانه‌های هندی در زنگبار مستقر شده بودند. اغلب تازه‌واردها از گجرات، کوچ و کاتیوار آمدند. تا اواخر قرن ۱۹ جامعه هندی که در بازرگانی به‌عنوان واسطه عمل می‌کرد ثروتمند و قدرتمند شده بود و عمارت‌های بزرگ و زیبای هندی از این دوره در شهر قدیم زنگبار باقی مانده است. جوامع هندی دیگری در لامو، مومباسا، در جزیره پمبا در چینک چینک و ژامبانگوم و در کیلواکیوینچی رشد کرده؛ مساجد و خانه‌های هندی‌ها هنوز در این شهرها باقی مانده‌اند. اکثریت این جوامع اسماعیلیه و اثنی‌عشریه بودند؛ سایر

سه مسجد دارند - حجت الاسلام (۵-۱۸۹۴)،
 قوه الاسلام (۱۸۷۸) و مائمی (۱۸۶۱) - و مسجد بوهر
 قبل از سال ۱۹۰۰ ساخته شد.

مسجد اصلی بوهر در مومباسا که در سال ۱۹۰۱ به
 هزینه تاجر عمده هندی و پیشتاز حکومت هندی‌ها در
 این کشور، آ.م. جیوانجی، ساخته شده بود در سال
 ۱۹۸۲ جای خود را به یک ساختمان سیمانی با یک
 مناره به سبک عربی داد. جماعت‌خانه اسماعیلیه آن‌جا
 تاریخ قرن بیستم را با خود دارد در حالی که مسجد
 اثنی عشریه بعد از سال ۱۸۸۷ بنا شد. سایر بناهای
 جالب توجه مومباسا مسجد بدله (تعمیر به سال ۱۹۵۰)
 و مسجد میمون (۱۸۸۰) هستند که هر دو سبک‌های
 معماری زینتی هندی را به نمایش می‌گذارند که عناصر
 معماری معابد هندو را حفظ کرده است. در جزیره همبا
 جامعه هندی تحلیل رفته و مساجد در حال حاضر
 تخریب شده‌اند. مسجد بوهر در چینک‌چینگ نمونه
 مشخصاً خوبی از یک ساختمان دست‌نخورده اواخر قرن
 ۱۹ است که در آن استفاده گسترده از درخت‌های ساج
 کنده‌کاری شده وارداتی به عمل آمده است. اگرچه اکثریت
 بازرگانان هندی که در ساخت راه‌آهن اوگاندا (سال‌های
 ۱۹۰۳-۱۸۹۶) شرکت داشتند سرانجام به کشورشان
 بازگشتند، بازرگانان و تجار فرصت‌های در حال
 شکوفایی را در داخل این کشور دیدند. آن‌ها که اغلب
 اهل مومباسا و زنگبار بودند راه‌آهن را که به تدریج در
 داخل کشور به پیش می‌رفت تعقیب کردند. تا سال
 ۱۸۹۸ هندی‌هایی در کیبویزی و ماساکوس وجود
 داشتند. در سال ۱۹۰۳ اوگاندا حدود پانصد نفر سکنه
 هندی تجار داشت و تا سال ۱۹۱۱ تعداد آن‌ها به ۲۲۱۶
 نفر افزایش یافته بود. احداث مساجد به دنبال تثبیت
 جوامع هندی موفق در نایروبی، کامپالا و دارالسلام و
 هم‌چنین در تعدادی از مراکز منطقتی آمد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. کاسون، گزارش‌های پرسی از مسیر ساحلی مصر تا هند و در مسیر ساحل
 آفریقای شرقی، ط. ۱۹۸۹. برای شواهد باستان‌شناسی ر.ک.:: سارک
 هورلونه پرسی و شرق آفریقا، آژانیا ۲۵، ط. ۱۹۹۰، صص. ۹۹-۹۵.
۲. م. کک. اسبیت و. ۵. ت. رابت، سدابینه‌هایی از رس عافون در سومالی،
 آژانیا ۲۳، ط. ۱۹۸۸، صص. ۴۲-۱۱۵.
۳. برای نظریات کلی در مورد اسلامی کردن ساحل شرقی، ر.ک.:: تربینگهام،
 ط. ۱۹۵۲، ۱۹۶۴، پساووز، ط. ۱۹۸۷، کسینیک ط. ۱۹۷۷، آن،
 ط. ۱۹۹۳. فرین - گرانویل، ط. ۱۹۶۶ شامل ترجمه‌هایی از منابع اصلی
 است.
۴. واتسنی، ط. ۱۹۷۵، شامل ترجمه‌هایی از منابع اصلی عربی در مورد
 شهرهای حاشیه دریای احمر و حبشه، هم‌چنین ر.ک.:: کراوولورت،
 ۱۹۱۱. در مورد کتیبه‌ها ر.ک.:: اشتادور، ط. ۱۹۶۷، ۱۹۸۳، کومبه،
 ط. ۱۹۳۰. طرحی از مسجدی تصوری در البریج به وسیله ه. ا. ج. هیرت
 منتشر شد، البریج، یک جزیره دریای سرخ، ۱۸ پادداشت و یادگانی در
 مورد سوادان، ط. ۱۹۳۵، صص. ۱۳-۳۰۸.
۵. تعداد مهمی از مساجد و مقابر رویان‌شده این تاریخ هم در نواحی کوهستانی
 شمال سومالی یافت شده‌اند، برای گزارش مختصری از معماری سنگی این
 ناحیه، ر.ک.:: کوروله، ط. ۱۹۳۷، کینیک، ط. ۱۹۷۶، ص. ۱۲۷.
۶. برای گزارش‌های کلی از روابط بین مسلمانان اتیوپی و مسلمانان شمال،
 ر.ک.:: آدامز، ط. ۱۹۷۷، شینی، ط. ۱۹۷۸، تربینگهام، ط. ۱۹۴۹.
۷. هرنگ، ط. ۱۹۷۷، به‌ویژه صص. ۸۰-۷۵. یک پدیده جالب که به دلیل
 شواهد اندک به‌خوبی کشف نشده است استفاده از خیمه‌هایی به‌جای
 مسجد هم در شهرهای بزرگ در حال رشد و هم در جمعیت‌های
 کوچک‌تر بدوی است. برای مورد استفاده آن‌ها در یک جامعه مسیحی،
 ر.ک.:: و. پانکیورست، خیمه‌های دوار اتیوپی، آفریقا ۱۸، ط. ۱۹۸۳،
 صص. ۹۵-۱۸۱.
۸. هولت، ط. ۱۹۷۰. برای شواهد زئادشناسی اعتقاد به مهدی، ر.ک.::
 و. ا. برمن، اسلام آفریقا، واشنگتن دی. سی. و لندن، ط. ۱۹۸۳،
 صص. ۵۷-۴۶.
۹. بلاس، ط. ۱۹۳۶-۷. برای یک گزارش جامع از بناها و سبک‌ها در
 سواکین، ر.ک.:: گرنبلو، ط. ۱۹۷۶ و ماننو، ط. ۱۹۵۴.
۱۰. تربینگهام، ط. ۱۹۵۷ و بلدینگ، ط. ۱۹۷۶، تارانت، ط. ۱۹۷۷.
۱۱. زکریا، مساجد هرا، مقاله چاپ‌شده، اسنیتور مطالعات اتیوپی،
 آدیس‌آبابا، منتقل‌ترین شرح را از معماری اوابه می‌دهد و من به‌عاطر
 این اطلاعات بسیار سپاسگزارم.
۱۲. نام هرا در هیچ متن منفرد خارجی تا قرن ۱۶ ذکر نشده است، اگرچه
 روایت‌های محلی می‌گویند که شهر به‌وسیله پناهندگانی که در قرن ۱۱ از
 منگه آمدند پایه‌گذاری شد. سنگ قبرهای قرن ۱۳ که به خط عربی
 است در ناحیه بین هرا و دیردوا یافت می‌شوند. هرا در سال ۱۵۲۰
 پایتخت پادشاهی عدل شد و جانشین شهر مجاور ذکر شد. در این تاریخ
 شهر در نتیجه احیای قدرت اسلامی به‌ویژه قدرت عدل در شاخ آفریقا

بازسازی شد. ریچارد برتون نوشته است: شهر پُر از مساجد و ساختمان‌های ساده بدون مناره، است و فرستان‌ها پُر از قبر هستند. (اولین قدم در شرق آفریقا، ص. ۲۱۶) پاریس، ط. ۱۸۸۸، بک توصیف اولیه از هراو اراه می‌دهد.

۱۲. شینی، ط. ۱۹۵۷. فضا سازی، به ویژه در طبقه اول به جای سبکدهای غالب محراب در منطقه به وضوح محراب بک کلیسا را به یاد می‌آورد. ۱۳. جزئیات در مورد کلیساهای جامع و کلیساهای نصرانی به وسیله م. ک. هون (نویسنده) منتشر خواهد شد. کلیساهای جامع و سایر کلیساهای زیریم لندن، الجمن اکتشاف مصر، خلاصه مفیدی از زمینه تاریخی اشغال توسط عثمانی توسط و. ل. منیج (۱۹۸۸)، مضامین و حجت از لسرن شانزدهم، *Annales Islamologiques* 24، صص. ۵۳-۱۲۷.

۱۴. گیلهاد، ط. ۱۸۲۳ گزارش کرده، ط. ۱۹۵۳-۱۹۵۱.

۱۵. برای Chibuene (چیبون) ر. ک. ب. ج. سینکله، فضا، زمان و ساختار اجتماعی، *Uppsala Societas Archaeologica Uppsaliensis*، ط. ۱۹۸۷، صص. ۹۱-۸۶. هورتون، ط. ۱۹۹۳ (ص. ۳۰، پادداشت ۳) با تاریخ پیشنهادی من مخالفت کرده و تاریخ قرن ۱۰ را برای اولین مساجد پیشنهاد کرده است.

۱۶. کینیک ۱۹۷۷ لورس اند المیر ۱۹۸۵. برای بک خلاصه حالی از فرهنگ سواحلی، از نظر معاصر و تاریخی، ر. ک. م. سیدلثون، ط. ۱۹۹۲.

۱۷. بک مشخصه کاره سواحلی توزیع خطی مناطق مسلمان نشین است؛ قبل از قرن ۱۹ هیچ کدام بیش از پنج کیلومتر (۳ مایل) به داخل منطقه نفوذ نکرده بود. آمدن برتالی‌ها از اواخر قرن ۱۵ تأثیر اقتصادی با مذهبی اندکی داشته است؛ ر. ک. گارلیک ۱۹۶۶، ویلسون ۱۹۷۸، ۱۹۸۰، آن و ویلسون ۱۹۷۹، کینیک ۱۹۹۶، کرکن، ط. ۱۹۹۳، توصیف مفیدی را به دست می‌دهد. فرین - گرنوبل و ساترین، ط. ۱۹۷۳، کتبه‌ها را نام می‌برد.

۱۸. اغلب چنین مطرح می‌شود که اکثر درخت ساج از هند وارد می‌شده است؛ مدارک کمی در این مورد هست و چوب‌های سخت بسیار مناسب در شرق آفریقا وجود دارد. برای بررسی انواع محلی جنوب مورد استفاده در معماری و در پنجره‌سازی، ر. ک. آلدریک ۱۹۹۰، آن ۱۹۷۳.

۱۹. بک مورد مهم مطالعه شهر سیواست که یکی از مهم ترین مراکز صنعت‌گری در ساحل است. عملاً هیچ مدرکی برای استقرار صنعت‌گران هندی یا خارجی و یا تأثیر خارجی وجود ندارد. براون ۱۹۸۸، آن ۱۹۷۹. بک بحث قابل توجه مربوط به منشأ خانه‌های سواحلی است؛ آن ۱۹۷۳، آن و ویلسون ۱۹۷۹، دانلی ۱۹۸۲، دانلی - ریپد ۱۹۹۰.

۲۰. فرجان‌های زمینی از تپه‌های دریایی آهکی - که قسمت‌هایی از ساحل جزایری را می‌سازند که به علت تغییرات سطح آب دریا از زیر آب بیرون آمده‌اند - استخراج می‌شوند. مرجان بافت سخت و ناصافی دارد و به راحتی قابل شکل دادن نیست ولی با تکنولوژی مدرن از آن کردن آن

و تبدیل آن به چند قطعه ممکن می‌شود. مرجان مستحکم که بسیار سبکتر است از تپه‌های دریایی مرجان‌های زنده پوریتز سولیدا استخراج می‌شود؛ این مرجان‌ها بعد از استخراج، بسیار نرم و مناسب برای ساخت صفحات تزئینی کنده‌کاری شده و کتیبه‌ها، طاقچه (برای مجسمه‌ها)، لغازها و لطعام‌ها است. نوشته‌ای مربوط به قرن ۱۸ موجود است که چگونگی کار بر روی این نوع مرجان را در جزیره در دریای احمر توصیف می‌کند. (برها، ط. ۱۹۹۱، ص. ۲۳). محتمل به نظر می‌رسد که تکنیک شرق آفریقا از ناحیه دریای احمر منشأ گرفته باشد؛ هورتون ۱۹۸۷.

۲۱. این حوال (در حدود سال ۹۷۰) از صادرات ساج و سایر انواع درختان برای ساخت خانه در سیراف گزارش داد؛ این احتمالاً اشاره‌ای به تجارت درختان گرانست که امروزه هنوز هم به خاطر ساج صادر می‌شوند. درختان سخت‌چوب شرق آفریقا هم احتمالاً صادر می‌شده‌اند.

۲۲. با وجود این، برتالی‌ها، دوب‌های چوبی استاندارد ساخته شده‌ای را در مومباسای قرن ۱۶ توصیف کرده‌اند. نوع دیگری از درهای با کنده‌کاری و رنگ آمیزی کم‌رنگ در استفاده که در سوود در جزایر پست تارن بیستم باقی ماند احتمالاً نشان‌دهنده روش سنتی قدیمی در سازی است.

۲۳. گارلیک، ط. ۱۹۶۶، صص. ۱۱، ۱۷۰، فلوری، ط. ۱۹۹۲.

۲۴. گارلیک، ط. ۱۹۶۶، اینزویلو، ط. ۱۹۸۸، چرولی، ط. ۱۹۵۷، کینیک، ط. ۱۹۸۲، مورت دوریلاره، ط. ۱۹۹۳. توصیف باکوت از موگاویشو در کتاب تریپینگام ترجمه شده است؛ ط. ۱۹۹۳، ص. ۱۵ تصاویر حکاکی شده در ریوریل، ط. ۱۸۸۵-۶.

۲۵. کینیک، ط. ۱۹۶۶، گارلیک، ط. ۱۹۶۶.

۲۶. مساجد لامو در کتاب جی. دور، آن، بررسی شهر لامو، طبع به وسیله نویسنده (۱۹۷۳) قیدان، ط. ۱۹۷۹، سیراو و پالمرو، ط. ۱۹۸۷ ذکر شده‌اند. برای بک گزارش اولیه از شبه جزیره لامو، ر. ک. استیگنار، ط. ۱۹۹۳ نقش شریف در لامو، ر. ک. پین، ط. ۱۹۷۳ و پاولز، ط. ۱۹۸۷.

۲۷. شریف مساجد زنگبار، آژانیا ۲۶ (۱۹۹۲)، م. ک. هورتون و ک. م. کلارک، بررسی باستان‌شناسی زنگبار دو سال‌های ۵-۱۹۸۴، وزارت اطلاعات، زنگبار ۱۹۸۵ راهنمای زنگبار، ط. ۱۹۶۹، چاپخانه دولت زنگبار، سریس، ط. ۱۹۲۰.